



مطالعه موردی تاریخ محلی دشت‌میشان از ورود اسلام تا سقوط آل‌مشعشع

عبدالکازم علی نژاد

دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ گرایش، ایران اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

abdolkazemalinejad@gmail.com

چکیده

دشت‌میشان منطقه‌ای در جنوب غرب خوزستان است که از لحاظ حوادث تاریخی و تحولات فرهنگی و سیاسی دارای اهمیت خاصی است و سوابق آن به تاریخ قبل از اسلام باز می‌گردد. در این تحقیق تلاش شده است با بررسی و شناسایی ریشه‌های شکل‌گیری تاریخ این منطقه به تداوم و تحولات، عوامل موثر و ابعاد مختلف آن با مراجعه به منابع معتبر تاریخی پرداخته شود. هدف از انجام این پژوهش عبارت‌است از: شناسایی و معرفی عوامل تداوم و تحول در تاریخ محلی منطقه در دوره‌ی مورد بحث، شناخت عوامل تأثیرگذار فرهنگی، مذهبی، سیاسی و... و تداوم و تحولات تاریخی منطقه در این دوره. تبیین هویت تاریخی، فرهنگی و دینی منطقه در ادوار مورد بحث. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی گردآوری شده و از منابع و متون معتبر و استنتاج‌های تاریخی و نظرات پژوهشگران درباره محدوده‌ی تاریخی و فرهنگی مورد نظر بهره برده است (علی نژاد، ۱۴۰۰).

واژگان کلیدی: دشت‌میشان - تاریخ محلی - مشعشعیان - تداوم و تحول

مقدمه

تاریخ محلی دانشی است برای بازسازی گذشته در مقیاسی محلی/ منطقه‌ای. نمود گذشته با این گرایش ملموس‌تر و معنی‌دار است. این شاخه از تاریخ در هر دوره‌ای بر آن بوده تا پدیده‌های مختلف را از جمله اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی در قالب پژوهش‌های تاریخی در مناطق گوناگون یافته و تعریف نماید (قوزانلو، ۱۳۱۵). پرداختن به تاریخ یک منطقه از یک کشور را نباید به عنوان یک حرکت واگرایانه تلقی کرد، بلکه هر کدام از مناطق در حقیقت اجزای یک پازل هستند که وقتی در کنار هم قرار می‌گیرند یک مجموعه کامل را نمایان می‌کنند. منطقه یا شهرستان دشت‌میشان که امروزه نام رسمی آن به دشت آزادگان تغییر یافته یکی از شهرستان‌های استان خوزستان است، مرکزیت این شهرستان در حال حاضر شهر سوسنگرد است ولی در گذشته‌های دور مرکزیت آن با حویزه (حویزه فعلی) بود. ریشه‌های تاریخی این منطقه به قبل از اسلام یعنی دوران بعد از حمله اسکندر مقدونی و یا شاید پیش از آن بر می‌گردد (قیم، ۱۳۹۸). منطقه‌ای با اهمیت راهبردی و اقتصادی کم نظیر که به برکت موقعیت جغرافیایی ممتاز، خاک حاصلخیز، آب فراوان و نیروی انسانی مستعد فراهم شده بود. از این نظر پیشنهاد موضوع پایان نامه از سوی استاد معظم جناب آقای دکتر بحرانی مورد استقبال اینجانب قرار گرفت و این استقبال دو دلیل عمده داشت: دلیل اول علاقه به مطالعات خوزستان شناسی که از ده‌ها سال پیش آغاز شده و تاکنون منجر به نگارش و تألیف چند کتب و ده‌ها مقاله گردیده است. دلیل دوم علاقه مضاعف اینجانب نسبت به زادگاه خویش یعنی شهرستان دشت‌میشان است (قیم، ۱۳۸۸).

دشت‌میشان منطقه‌ای در جنوب غرب خوزستان است که از لحاظ حوادث تاریخی و تحولات فرهنگی و سیاسی دارای اهمیت خاصی است و سوابق آن به تاریخ قبل از اسلام باز می‌گردد. هدف از این پژوهش شناسایی و معرفی نحوه‌ی شکل‌گیری تاریخی منطقه در دوره‌ی مورد بحث، شناخت عوامل تأثیرگذار فرهنگی، مذهبی، سیاسی و... و تداوم و تحولات تاریخی منطقه در



دوره‌ی مورد بحث و تبیین هویت تاریخی و فرهنگی منطقه در ادوار مورد بحث می‌باشد (کحاله، ۱۹۵۷). دشت میشان از شمال به شهرستان شوش و استان ایلام، از جنوب و غرب به کشور عراق، و از شرق به شهرستان اهواز محدود است. البته وسعت جغرافیایی دشت میشان ثابت نبوده و در بعضی از ادوار تا خاک عراق امروزی و استان میسان به مرکزیت شهر العماره امتداد داشته است. حکومت نشین آن، شهر نهرتیری بود که در سده‌ی ۴ یا ۵ هـ ق ویران شد (قوزانلو، ۱۳۱۵). جغرافی‌نگاران اسلامی از چند شهر معروف که در حدود سرزمین کنونی دشت آزادگان یا همان دشت میشان بوده یاد کرده‌اند. مانند: بُسنا- به قول مقدسی این شهر هفت آسیاب داشته و مرکزی برای داد و ستد و امور بازرگانی بوده است (قیّم، ۱۳۹۸). پرده‌های زربافت آن به شهرها و نواحی دیگر صادر می‌شده است. قرقوب - پارچه‌های قلابدوزی این شهر به قلابدوزی سوسنگرد معروف بوده و تقریباً شهری آباد و بزرگ بوده است (کسروی، ۱۳۷۳). بیروت (بیروذ یا بیروز) - تا شوش یک روز راه بوده است. طیب - شهر طیب که امروزه در نوار مرزی و در خاک عراق می‌باشد ولی در گذشته جزء توابع دشت میشان بوده است. متوث (متوت) - قلعه‌ای مستحکم داشته و در نه فرسخی جنوب شوش میان اهواز و قرقوب بوده است. این منطقه از لحاظ کشاورزی و تجاری اهمیت داشته و نهر تیری یکی از مراکز ضرب سکه به شمار می‌رفته است (کوفی، ۱۳۷۲). دشت میشان خاستگاه قیام‌هایی مانند قیام زنگیان در نیمه‌ی قرن سوم و قیام شیعی سید محمد مشعشع در قرن نهم هجری بوده است. و از قرن نهم تا صدها سال بیشتر مناطق خوزستان و نواحی مرزی عراق کنونی تابع حکومت مشعشعیان بوده است. همچنین علماء، ادبا و شخصیت‌های تاریخی برجسته‌ای از این خطه برخاسته‌اند (قیّم، ۱۳۸۸). این منطقه در ترویج مذهب تشیع نقش اساسی داشته و در حوزه علمیه حویزه صدا عالم و مجتهد و طلبه علوم دینی فعالیت داشته‌اند. با توجه به موارد فوق بازخوانی تاریخ این منطقه از اهمیت شایانی برخوردار است.

دشت میشان

سرزمینی کهن در جنوب غربی خوزستان؛ نام این سرزمین در متون فارسی میانه میشون، در عبری میشان، در سریانی میشان، در یونانی میسنه، و در دوره‌ی اسلامی به صورت میسان آمده است.^۱ قدمت نام میسان^۲ به قرن‌ها پیش از میلاد مسیح می‌رسد. سرزمینی که در قسمت مغرب شهر اهواز و مشرق دجله واقع شده روزگار قدیم بنام سرزمین نهرالتیری نام داشته و در قرون وسطی اسلامی به نام حویزه تبدیل شده و در ایام پادشاهان صفویه و پس از آن قاجاریه بنام بنی طرف گردیده است.^۳ محدوده‌ی جغرافیایی و حدود و ثغور دشت میشان در طول تاریخ دستخوش تغییرات بوده است؛ این تغییرات غالباً از ویژگی‌های اقلیمی این منطقه ناشی می‌شده است، براساس نوشته‌های مورخان، دولت سلوکی پس از تصرف مناطق اطراف پایین دجله، شهر خاراسین قبلاً خاراکس، را به عنوان پایتخت میشان بنیان نهاد.^۴ میشان به عنوان یکی از ساتراپی‌های دولت اشکانی به صورت گاهی مستقل و گاهی نیمه مستقل، بیش از ۳ سده به پادشاهی خود ادامه داد. در دوره‌ی ساسانی در میشان

1 Bosworth, "Iran and the Arabs Before Islam", 594; Noldeke, Th., "Geschichte der Perser Araber und Araber zur Zeit der Sasaniden", 63.

۲ پادشاهی میسان را نباید با استان میسان عراق اشتباه گرفت. معلوم نیست این نام را چرا بر این استان اطلاق کرده‌اند.

۳ میریان، عباس، جغرافیای تاریخی سرزمین خوزستان، ص ۲۵۲ و ۲۵۳.

۴ نک: سلوود، دیوید، "حکومت‌های کوچک در جنوب ایران"، در: تاریخ ایران کمبریج، ج ۳، قسمت ۲، احسان یار شاطر، ترجمه: تیمور قادری، نشر مهتاب، تهران، ۱۳۹۰ ش، ص ۳۱۴-۳۱۰؛ محمدی فر خاراسن و جایگاه سیاسی و تجاری آن در شاهنشاهی

اشکانی، ص ۱۱۵؛ نیز Strabo, The Geography, VII, 205-209.



پیروان ادیان صابئی و مانوی برای ترویج و تبلیغ دین خود فعالیت می‌کردند. حویزه در قرن نهم پایتخت دولت مشعشعیان بوده است و تا قرن ۱۲ مرکزیت استان خوزستان را بر عهده داشته است. نام دشت میشان پس از پیروزی انقلاب اسلامی به دشت آزادگان تغییر یافت (الصالحی، ۱۹۸۴).

تاریخ محلی

تاریخ محلی دانشی است برای بازسازی گذشته در مقیاسی محلی / منطقه‌ای. افزون بر این، نمود گذشته با این گرایش ملموس‌تر و معنی‌دار است. این شاخه از تاریخ به عنوان یکی از چشم‌اندازهای تاریخ خُرد در هر دوره‌ای بر آن بوده تا پدیده‌های مختلف را از جمله اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی در قالب پژوهش‌های تاریخی در مناطق گوناگون یافته و تعریف نماید. این سنت تاریخ‌نگاری با سابقه طولانی در ایران و جهان از نیمه دوم قرن بیستم تحت تأثیر فلسفه‌های نو و حرکت‌های اجتماعی - اقتصادی فراگیر، دگرگون شده و در قالب و شکل و سنت جدیدی ظهور یافت که افزون بر موضوعات پیشین به منظرهای متنوع اجتماعات در مقیاس مناطق کوچک می‌پردازد.^۵

مشعشعیان

مشعشعیان یا آل مشعشع، خاندانی از فرمانروایان عرب در خوزستان، و شیعه مذهب، که از ۸۴۵ تا ۹۱۴ هـ.ق، به استقلال در خوزستان و بصره و بهبهان و کهگیلویه و بعضی نواحی دیگر، و از آن پس به عنوان تابع و مأمور دولت صفویه تا ۱۱۵۰ هـ.ق، در حویزه و نواحی مجاور آن حکومت کرده‌اند. استقلال آن‌ها به دست شاه اسماعیل صفوی بر افتاد، و حکومت آن‌ها در خوزستان به دست نادرشاه از میان رفت. مؤسس امارت و فرمانروائی مشعشعیان سید محمد مشعشع است، که حدود ۸۴۰ هـ.ق قیام کرد، و نام خاندان منسوب به اوست (الصالحی، ۱۹۸۶). بعد از وفات (۸۷۰ هـ.ق) سید محمد، پسرش سید محسن مشعشعی (فت ۹۰۵ هـ.ق) به امارت نشست، و بعد از مرگ او، پسرانش سید علی مشعشعی و ایوب مشعشعی روی کار آمدند، اما شاه اسماعیل صفوی آن‌ها را کشت و به استقلال خاندان مشعشعی در خوزستان پایان داد (۹۱۴ هـ.ق)، ولی چندی بعد حکومت حویزه و نواحی غربی خوزستان را به سید فلاح مشعشعی (فت ۹۲۰ هـ.ق) پسر دیگر سید محسن، واگذار کرد، و از آن پس، فرزندان سید فلاح در این حوزه حکومت موروثی داشتند. هنگامی که محمدخان بلوچ در فارس طغیان کرد، سید رضا مشعشعی، برادر سید علی را امارت حویزه داد (۱۱۴۴ هـ.ق). اما سال بعد، نادر حویزه را گرفت، و چندی بعد حکومت مشعشعیان را بر انداخت، و از جانب خود در حویزه [حاکمی] نشانید (۱۱۵۰ هـ.ق). گرچه بعد از آن باز مشعشعیان گاه‌گاه در حویزه نفوذی ضعیف بدست آوردند (کوفی، ۱۳۷۲)، در واقع مولا مطلب مشعشعی را، که در اواخر عهد نادرشاه عصیان کرد، باید آخرین والی مهم و معروف حویزه از آل مشعشع دانست، و پس از او حکام مشعشعیان قدرت سابق را در خوزستان نتوانستند اعاده کنند.^۶

تداوم و تحول

تداوم که معادل انگلیسی آن **Continuity** به معنی پیوستگی و استمرار است و زمانی به کار می‌رود که یک پدیده تاریخی پی در پی ادامه داشته باشد. تحول که معادل انگلیسی آن **Change** می‌باشد به معنی: ۱- (مص ل.) گشتن، گردیدن.

5 <http://www.localhistory.ir/about>

۶ مصاحب، غلامحسن، دائرة المعارف فارسی، ج ۳، ص ۲۷۷۹.



۲- دیگرگون شدن، تغییر یافتن. ۳- از جای شدن، جابجا شدن. ۴- پشتواره برداشتن، بسته‌ای بر پشت داشتن. ۵- (امص). گردش. ۶- تغییر، جمع: تحولات. ۷- تداوم و تحول وجوه مختلف دارد مع الوصف این دو عنصر را نباید در تقابل و تباین شدید با یکدیگر قرار داد؛ چون در سرتاسر دوره‌ی مورد بحث ما، پیشرفت مداوم و تحول پایا وجود داشته است ... هدف من ارزیابی و بررسی بعضی از جنبه‌های محیطی بود که در چارچوب آن انسان‌ها به دنبال حفظ و اشاعه‌ی حیات فرهنگی و معنوی‌شان بودند.^۸

نتیجه گیری

با توجه به بررسی‌های تاریخی موضوع و براساس منابع، مدارک و شواهد موجود نتایج به دست آمده این پژوهش در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی - نظامی، مذهبی، و فرهنگی و ادبی عبارتند از:

اقتصادی

با توجه وجود رودخانه‌های پرآب، تالاب‌ها، زمین حاصلخیز و آب و هوای مساعد کشاورزی و دامپروری همچنین صید ماهی و پرندگان مهاجر در این منطقه رواج فراوان داشته است و تاکنون ادامه دارد.

فرهنگی

شرایط فرهنگی و مذهبی منطقه در پرورش و تربیت شخصیت‌های شاخص علمی و ادبی در ادوار مختلف بسیار موثر بوده که در این پژوهش از جمله به دانشمندان و ادبای بزرگی مانند: سهل بن هارون دشت میثانی رئیس بیت الحکمه مأمون عباسی، عبدعلی حویزی مفسر بزرگ قرآن و صاحب تفسیر روایی نورالثقلین و... بتفصیل بدان پرداخته شده است.

مذهبی

تاسیس حوزه علمیه شیعی با حضور علمای طراز اول و جمع کثیری از طلاب و مفسرین از رویدادهای مهم و تاثیرگذار این دوره است که آثار معنوی و عملی آن در این مناطق همچنان مشهود است.

اجتماعی

این منطقه خواستگاه برخی از قیام‌های ظلم ستیزانه مانند قیام زنگیان در نیمه قرن ۳ و قیام سید محمد ابن فلاح مشعشع در قرن ۹ بوده است که منجر به تاسیس دولت مشعشعیان شده است.

سیاسی - نظامی

این منطقه در دوره مورد بحث (قرن ۱۲-۱ هـ) از برخی تحولات سیاسی و نظامی شامل لشکر کشی و فتح منطقه توسط سپاه اسلام، جریان‌های سیاسی - نظامی صدر اسلام مانند قیام توابعین و مختار در قرن اول، جنگ‌های آل‌بویه و تصرف منطقه در ادامه فتوحات خود در میانه قرن‌های چهارم و پنجم و لشکرکشی ترکمانان در قرن نهم، شاه اسماعیل صفوی در قرن دهم و نادرشاه افشار در قرن دوازدهم متأثر بوده است.

منابع

۱. قوزانلو، جمیل، تاریخ نظامی ایران، جلد اول، چاپ فردوسی، تهران، ۱۳۱۵ش.
۲. قیّم، عبدالنّبی، پادشاهی میسان و "اهواز" یا "احواز"، نشر اختران، تهران، ۱۳۹۸ش.

۷ معین، محمد، فرهنگ فارسی، ج ۱، ص ۷۷۱.

۸ لمبتن، آن، تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران، ترجمه: یعقوب آژند، ص ۲ (مقدمه مؤلف).



۳. قیّم، عبدالنّبی پانصد سال تاریخ خوزستان، نشر اختران، تهران، ۱۳۸۸ش.
۴. كحاله، عمررضا، معجم المؤلفین، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا ۱۹۵۷م.
۵. كسروی، احمد، تاریخ پانصد ساله خوزستان، مؤسسه آنزان، تهران، ۱۳۷۳ش.
۶. كوفی، محمدبن علی بن اعثم، الفتوح، ترجمه: محمدبن احمد مستوفی هروی، تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، انتشارات انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۲ش.
۷. الصالحی، واثق اسماعیل، "دراسة تحليلية لتمثال برونزی لهرقل"، مجلة سومر، المجلد ۴۳، دائرة الآثار والتراث، صص ۱۴۵-۱۳۶، بغداد، ۱۹۸۴م.
۸. الصالحی، واثق اسماعیل، "نشوء و تطور مملكة میسان - دراسة تاريخية و أثرية"، مجلة المورد، شماره ۴، وزارة الثقافة و الإعلام، صص ۱۸-۵، بغداد، ۱۹۸۶م.
۹. علی نژاد، عبدالکاظم، "تداوم و تحول در تاریخ محلی دشت میشان از ورود اسلام تا سقوط آل مشعشع (۱۱۷۶هـ.ق)"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید چمران اهواز، صص ۷۹-۴۰، ۱۴۰۰.